



اشاره:

مدتی است با جداسازی علوم «انسانی» از «اسلام» و نفی علم اقتصاد اسلامی و امثال آن، نسبت به اسلامی شدن علوم انسانی تردیدافکنی شد. از آنجا که یکی از چالش‌های مهم در مباحث مربوط به علوم انسانی، عدم شفافیت در تعاریف و روشن نبودن معانی مورد اراده آن‌هاست، ضروری است برای آگاهی همگان نگاهی به اهداف و معانی مربوط به علوم انسانی اسلامی داشته باشیم. این نوشتار برگرفته از پیش‌گفتار کتاب «مبانی علوم انسانی اسلامی از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی» است که توسط جمعی از نویسندگان و شاگردان حضرت علامه به رشته تحریر در آمده است.

## ماهیت و تعریف علوم انسانی اسلامی

از دیدگاه علامه مصباح یزدی رحمته

### ضرورت پرداختن به علوم انسانی اسلامی

آنچه امروز به نام علوم انسانی بر مراکز علمی و غیرعلمی سیطره یافته، حاصل درختی است که در تمدن مادی و سکولار غرب ریشه دارد. نظریات مطرح در علوم چون اقتصاد، سیاست، مدیریت، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و دیگر علوم انسانی رایج، بر اساس جدایی عالم ماده از ماورای آن، بلکه انکار ماوراء استوار شده است. خدای این تمدن، انسان و دوست داشتنی‌های اوست.

انسان از دیدگاه تمدن غربی تنها حیوانی پیچیده و اجتماعی است و قله کمالی که این فرهنگ برای انسان می‌شناسد، رفاه، آسایش و لذت مادی بیشتر است و به بیش از آن نمی‌اندیشد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران موج معنویت خواهی انسان معاصر که در پی سرخوردگی از علم حس‌گرا، روشن شدن بطلان فلسفه‌هایی تجربه‌گرا چون پوزیتویسم و فروپاشی نظام‌های دین ستیزی چون نظام کمونیسم به

راه افتاده بود، شدتی باور نکردنی گرفته و زمینه را برای پالایشی عظیم در همه زمینه‌ها فراهم کرده و وظیفه عالمان و فعالان این عرصه را سنگین‌تر کرده است. پالایش علوم و فرهنگ جامعه اسلامی از همان آغاز مورد توجه و تاکید رهبران جامعه به ویژه معمار کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی ره بود.

اکنون که بیش از چهار دهه از پیروزی بزرگترین انقلاب قرن بیستم می‌گذرد، جا دارد نگاهی نقادانه به جامعه خود بیندازیم و بررسی کنیم که آیا برای رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی به وظیفه خویش عمل کرده‌ایم؟ هدف کسانی که این انقلاب را بنا نهاده‌اند و در این سال‌ها با خون خود از آن دفاع کرده‌اند، احیای اسلام ناب بود. آیا امروز جوانان ما در مهم‌ترین نهادهای تربیتی (مدارس و دانشگاه‌ها) با آموزه‌هایی برخاسته از اسلام ناب آشنا می‌شوند، یا با علوم ترجمه شده دانشمندان سکولار غربی که در مراکز علمی دانشگاه‌های غرب تولید می‌شوند؟

نظریه‌پردازی در هر علمی - از جمله علوم انسانی - بر پایه مجموعه‌ای از مبانی و اصول موضوعه انجام می‌شود که باید در شاخه‌های بنیادین معرفت بررسی و اثبات شوند. دستیابی به مبانی اسلامی علوم انسانی، مستلزم پژوهش‌های بنیادین و بهره‌گیری از تاملات و تحقیقات اندیشمندان این عرصه است. پرداختن به کلیات، تعریف و مفاهیم اصلی علوم انسانی اسلامی و نیز در پی آن اصول اساسی مربوط به مبانی مانند معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، کلامی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی، دین‌شناختی و روش‌شناختی از مهم‌ترین اقداماتی است که باید در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی توسط کارشناسان و اندیشمندان و پژوهشگران علوم دینی انجام پذیرد (۱). از جمله اقدامات بسیار مهم، تعریف مفاهیم اصلی است که ضمن شفاف سازی کاربرد واژگان، از سوء تفاهم‌های بعدی جلوگیری می‌کند. از این رو برای روشن شدن «علوم انسانی اسلامی»، باید مقصود خود را روشن کنیم.

### علم

واژه علم که در فارسی کاربردهای متنوعی دارد، گاه مطلق آگاهی، مانند علم حضوری و تصور و تصدیق را در برمی‌گیرد؛ و گاه به قیود خاصی مقید می‌شود؛ مانند علم به یک قضیه، علم مطابق با واقع، علم به مجموعه‌ای از مسائل، علم به مجموعه‌ای از مسائل حقیقی (غیر قراردادی)، و علم به مسائل حقیقی که با روش تجربی قابل بررسی باشند (Science)؛ اما آنچه در بحث تولید علوم انسانی مد نظر است، علم به همان اصطلاح متداولی است که بر شاخه‌هایی

از دانش مانند فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، تفسیر قرآن، فقه، تاریخ، اخلاق، فلسفه و معرفت‌شناسی اطلاق می‌شود. وجه جامع این اصطلاح، به مجموعه‌ای از مسائل اطلاق می‌شود که معمولاً دارای موضوع واحد است، و روشی است برای اثبات و حل مسائل آن و نیز مبانی و اهداف آن موضوع.

البته ممکن است در تعریف برخی علوم، روش خاصی مانند خداشناسی فلسفی، خداشناسی عرفانی، روان‌شناسی تجربی و فلسفه اخذ شده باشد.

همچنین ممکن است اهداف یا مبانی خاصی را در علم قید کرده باشند، مانند فلسفه الحادی، فلسفه الهی، اقتصاد مارکسیستی، اقتصاد اسلامی. لیکن اختصاص اطلاق علم به این که مقید به روش تجربی باشد، مبتنی بر برخی مبانی روش‌شناختی است که مناقشه‌پذیرند.

### اسلام

واژه اسلام نیز اصطلاحات متعددی دارد. طبق یک اصطلاح، اسلام به دین حق اطلاق می‌شود که افزون بر دین خاتم، سایر ادیان آسمانی را نیز که در زمان خود معتبر بوده‌اند، در برمی‌گیرد. بنابراین اصطلاحی دیگر، اسلام به دین خاتم اختصاص دارد. طبق این اصطلاح، گاه تنها آموزه‌هایی که از کتاب و سنت به دست می‌آید اسلام نامیده می‌شود.

لیکن در این جا مقصود از اسلام، مجموعه تعالیم نظری و عملی است که معطوف به سعادت حقیقی و ابدی انسان‌اند که افزون بر ادله معتبر عقلی، از راه قرآن و سنت معصومان علیهم‌السلام به دست می‌آیند. البته تصدیق به همه آن چه در قرآن و سنت معتبر معصومان علیهم‌السلام آمده، از آن جهت که تصدیق خدا و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است در سعادت حقیقی انسان تاثیر دارد و از همین جهت جزء اسلام دانسته می‌شود.

### علم اسلامی

در اتصاف علم به اسلامی بودن، کمترین مناسبت کافی است. این مناسبت‌ها ممکن است وجود مقاصد، مبانی یا منابع مشترک باشد و در نتیجه، علم اسلامی اصطلاحات متعددی خواهد داشت. اما منظور از علم اسلامی، علمی است که افزون بر داشتن مسائل مشترک با اسلام، مبانی، اهداف، و منابع آن با آموزه‌های اسلام موافق باشند؛ اما اگر علمی در یکی از این سه مورد با اسلام موافق نباشد، اسلامی نخواهد بود. همچنین ممکن است بخشی از علم، اسلامی و بخشی از آن غیراسلامی باشد. اما اگر علمی با اسلام مسئله مشترکی نداشته، از مقسم

اسلامی و غیر اسلامی خارج خواهد بود. برای مثال، ریاضیات، اسلامی و غیر اسلامی ندارد؛ مگر آن که کسی کاربردهای علم را نیز در ملاک اتصاف علم به اسلامی بودن معتبر بداند.

### علوم انسانی

بر اساس تلقی رایج می‌توان گفت: «علوم انسانی» در مقابل علوم طبیعی و ریاضی (به مجموعه علمی اطلاق می‌شود که به شناخت انسان و توصیف، تبیین و تفسیر پدیده‌های فردی و اجتماعی) از آن جهت که انسانی‌اند، نه از جهت فیزیکی و زیستی) و جهت‌بخشی به افعال و انفعالات انسانی می‌پردازد.

علوم انسانی در تعریف یاد شده، مبانی خاصی دارند که عموماً زیر شاخه humanites قرار می‌گیرند. از سویی دیگر، بر اساس برخی تعاریف، علمی همچون حساب‌داری، کتاب‌داری، جغرافیا و هتل‌داری نیز از علوم انسانی محسوب می‌شوند؛ اما این سنخ از علوم مد نظر نیست.

بدین ترتیب، علوم انسانی مدنظر، دانش‌هایی همچون اخلاق، حقوق، اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت، علوم تربیتی، علوم سیاسی و تاریخ تطبیقی را در بر می‌گیرد و مبانی این علوم شامل فلسفه، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و فلسفه‌های مضاف می‌شوند.

### علوم انسانی اسلامی

علوم انسانی چنانچه در مبانی، اهداف و منابع با اسلام موافق باشند، اسلامی خواهند بود. بدین ترتیب یکی از کارهای اساسی برای اسلامی‌سازی علوم انسانی، یا به تعبیر دیگر تولید علوم انسانی اسلامی، تبیین مبانی این علوم است.

### مبانی

چنانچه اشاره شد، عموماً مبانی علوم انسانی اسلامی، از علوم و دانش‌هایی اخذ می‌شوند که به گونه‌ای بر علوم انسانی اسلامی تقدم منطقی دارند. این علوم شامل فلسفه، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و فلسفه‌های مضاف می‌شوند که هر کدام به علوم دیگر نیز مرتبند؛ که تبیین هر یک از این مبانی در جای خود بیان شده و بخشی از آن در دوره‌های «طرح ولایت» تدریس می‌شود.

علامه مصباح یزدی از جمله اندیشمندانی است که از ابتدا به طور جد به دنبال تبیین علوم انسانی اسلامی و مبانی آن بوده است. آثاری همچون «ابطه علم و دین» و نیز «مبانی علوم انسانی اسلامی از دیدگاه علامه مصباح یزدی» از این قبیل هستند.